

نشانی‌های تعدیل در کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی رئیس‌جمهور دوره دهم

مریم‌سادات غیاثیان^{۱*}، عباسعلی آهنگر^۲، داوود فیرحی^۳، طاهره ذاکری^۴

۱. استادیار زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۳. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

دریافت: ۹۲/۱۰/۴

پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۴

چکیده

نشانی‌گر تعدیل، یک راهبرد بلاغی است که سخنگو آن را در جهت عدم تعهد به گفته‌ای یا عضویت کامل در گروهی، یعنی تعدیل محتوا یا به‌منظور تعدیل نیروی غیر بیانی گفته به کار می‌برد. نشانی‌گر تعدیل را باید به‌عنوان یک عمل عمدی تلقی کرد که سخنگو با انتخاب یک ابزار زبانی، ورای محتوای گزاره‌ای پیام، بر تعبیر گفته تأثیر می‌گذارد؛ چنان‌که محتوا یا نیروی آن را اصلاح می‌کند. نشانی‌گرهای تعدیل علی‌رغم فقدان معنی واژگانی مشخص، دارای معنی نقشی و کاربردشناختی قدرتمندی هستند. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تعریف و معرفی کاربردهای نشانی‌گرهای تعدیل براساس الگوی فریزر (2009) و درنهایت، تحلیلی موردی از این کاربردها در گفتمان سیاسی از کنفرانس‌های مطبوعاتی داخلی رئیس‌جمهور (دوره دهم) با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به نگارش درآمده است. یافته‌های تحلیل موردی نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور (دوره دهم) در راستای پایبندی به زبان دیپلماتیک از نشانی‌گرهای تعدیل، به‌عنوان یکی از تدابیر ماهرانه در گفتار سیاسی در جهت ابهام و طفره، بهره برده است و نشانی‌گرهای مجهول و ضمایر مبهم بیش از سایر انواع نشانی‌گرها در گفتمان او مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی: گفتمان سیاسی، کنفرانس مطبوعاتی سیاسی، نشانی‌گر تعدیل، طفره، تحلیل گفتمان انتقادی.



۱. مقدمه

گفتمان سیاسی، متشکل از گونه‌های^۱ مختلفی نظیر مصاحبه، گفت‌وگو، مناظره و کنفرانس مطبوعاتی سیاسی است که این مقاله به تحلیل موردی کنفرانس مطبوعاتی سیاسی اختصاص دارد. این‌گونه از گفتمان سیاسی به نوبه خود دارای انواع داخلی و خارجی است (Vide. Eshbough-Soha, 2003) و این‌که غالباً کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی داخلی محدود به رئیس‌جمهور و خبرنگاران (داخلی/ خارجی) می‌شود که به‌طور معمول با نطق آغازین رئیس‌جمهور شروع می‌شود و با پرسش و پاسخ ادامه می‌یابد. در کنفرانس‌های مطبوعاتی خارجی نیز معمولاً دو رئیس‌جمهور یا یک رئیس‌جمهور با فردی هم‌تراز خود از کشور دیگر، در یکی از کشورهای طرفین حضور دارند که ابتدا میزبان و سپس میهمان به بیان مواضع «مشترک» فی‌مابین می‌پردازند و سپس خبرنگاران پرسش و پاسخ را آغاز می‌کنند (Vide. Bhatia, 2006; schaffner, 1997) با توجه به ماهیت کنفرانس‌های مطبوعاتی که در آن‌ها غالباً خبرنگاران با سؤال‌های خود مقام مسئول را با چالش روبه‌رو می‌کنند، راهکارهای اتخاذشده از سوی سیاستمداران، مورد توجه تحلیلگر گفتمان است. یکی از این راهکارها کاربرد نشانگرهای تعدیل^۲ است که چون این نشانگرها صورت نحوی یکسانی ندارند، در مقوله دستوری خاصی نیز قرار نمی‌گیرند و می‌توان آن‌ها را مقوله‌های نقشی نام نهاد که کاربرد گفتمانی دارند (Fraser, 2010:206). کاربرد نشانگرهای ذکرشده را می‌توان در راستای دو هدف کلی خلاصه کرد: تعدیل شدت اثر گفته بر شنونده از راه ارائه آن به‌صورت مؤدبانه و اجتناب از پاسخی که نشانگر مسئولیت/ تعهد گوینده در ارائه حقایق یا معرفی کنش‌گر کنش انجام‌شده باشد که به دو شیوه طفره‌رفتن یا ارائه پاسخی مبهم تجلی می‌یابد. به نظر می‌رسد کاربرد اول در گفتمان‌های سیاسی از نوع کنفرانس‌های مطبوعاتی خارجی که دو رهبر/ مقام سیاسی هم‌پیمان حضور دارند یا در مناظراتی که دو یا چند حزب سیاسی در تقابل با هم قرار دارند، مشهود است؛ هرچند در مناظره تلویزیونی انتخاباتی ریاست جمهوری دوره نهم در ایران (Vide. Alavi-nia and Jalilifar, 2012) بنا به موضوع و بافت (نک. غیاثیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۲-۱۸۳) و نیز فرد مقابل در مناظره، از نشانگر تعدیل به هر دو منظور بیان ادب و بی‌ادبی استفاده شده است. کاربرد دوم نیز در همه گونه‌های گفتمان

سیاسی، به‌ویژه کنفرانس مطبوعاتی، قابل بررسی است. در این مقاله پس از معرفی انواع نشانگرهای تعدیل براساس نگاه نوین فریزر (2009) به این مقوله، تحلیلی موردی از کنفرانس‌های مطبوعاتی داخلی رئیس‌جمهور دوره دهم با تکیه بر رویکرد *تحلیل گفتمان انتقادی* (تگفا)^۲ در جهت پاسخ به این سؤال ارائه می‌شود که رئیس‌جمهور (دوره دهم) در گفتار خود از کدام نشانگرهای تعدیل و به چه منظوری بهره برده است؟

۲. نشانگرهای تعدیل^۳

نشانگرهای تعدیل جزء نشانگرهای گفتمان به شمار می‌روند. لیکاف^۴ (1972) اولین کسی است که اصطلاح *تعدیل‌گر* را مطرح کرد و تأثیر بسزایی نیز در معرفی آن‌ها داشت. او معتقد است واژه‌ها یا عباراتی چون «نسبتاً» یا «به‌نوعی» که معنای مبهم و تلویحی دارند، برای وی بسیار جذاب هستند. به باور وی هر اقدامی در جهت محدود کردن شرایط صدق جملات زبان طبیعی به‌صورت صادق، کاذب و نامعقول یا بی‌معنی، موجب تحریف زبان طبیعی خواهد شد. او پیرو مطالعات روش^۱، نشانگرهای تعدیل را در مباحث پیش‌نمونه‌ها به کار برد که نشان می‌دهد چگونه حضور نشانگرهای تعدیل موجب تضعیف معنای گزاره‌ای عبارتی خاص [از مطلق به فراگیر] یعنی عضویت در گروهی می‌شود (Ibid: 95). به‌طور مثال:

1. John is *sort of* smart.

در زمینه ادب، براون و لوینسون^۵ معتقدند سخنگویان با کاربرد نشانگرهای تعدیل به‌نوعی قدرت ادعا و بیانات خود را تعدیل می‌کنند؛ چرا که نیاز به حفظ وجهه خود یا مخاطب دارند (Idem, 1987: 14). در همین راستا و در تعاملات اجتماعی، کوتس^۶ (1987) معتقد است بیشترین بسامد وقوع نشانگرهای تعدیل در محاوره صورت می‌گیرد و این امر کمک می‌کند تا سخنگویان فضایی دوستانه ایجاد کنند، ادای احترام کنند، بحث تسهیل شود و نقص دانش یا واژگان را پنهان کنند (نک. استاجی و افشین، ۱۳۹۰: ۱۹).

مفهوم تعدیل‌گرها در بافت مشخص می‌شود که به‌عنوان یک ابزار زبانی می‌توانند موجب افزایش پذیرش و کاهش خطر رد شدن [از سوی مخاطب] شوند. هایلند^۷ در این‌باره گفته است

که نشانگر تعدیل ابزاری است که نویسنده از این طریق می‌تواند یک گزاره را به جای حقیقت مسلم به صورت نظر و عقیده ارائه کند و اضافه می‌کند که کاربرد نشانگرها نشانه تردید و عدم قطعیت است (Idem, 1998: 5).

درواقع تعدیل‌گرها عباراتی هستند که حوزه عملکردشان نیروی غیر بیانی^{۱۱} در کنش گفتار و تضعیف قدرت این نیرو با کم کردن تعهد سخنگوست (Fraser 2010: 201; quoted by Caffi, 1999). از نظر فریزر این نشانگرها یکی از راهبردهای بلاغت هستند که سخنگو آن‌ها را در جهت عدم تعهد به گفته‌ای یا عضویت کامل در گروهی، یعنی در جهت تعدیل محتوا و یا به دنبال نیروی غیر بیانی گفته، یعنی همان تعدیل نیرو، به کار می‌برد. استفاده از نشانگر تعدیل، عملی عمدی تلقی می‌شود و سخنگو از این ابزار زبانی استفاده می‌کند تا بر محتوای گزاره‌ای پیام و تعبیر گفته تأثیر بگذارد (Fraser, 2009: 201-206).

۳. پیشینه مطالعاتی نشانگرهای تعدیل

واینریش^{۱۱} (1966) اولین شخصی است که در مورد نشانگرهای تعدیل در زبان‌شناسی مطالعه کرد و اصطلاح «عملگرهای فرازبانی»^{۱۲} را به کار برد. لیکاف نیز پس از او (1972) اصطلاح تعدیل-گر را به کار گرفت. سپس براون و لوینسن (1987) کاربرد نشانگرها را در مباحث ادب توسعه دادند. همچنین می‌توان از مایرز^{۱۳} (1989)، کلمن (1987 & 1997)، مارکانن و اشرودر^{۱۴} (1996)، هایلند (1996) و کافی (1999, 2000) نیز در این زمینه نام برد.

از بین مطالعات در باب تعدیل در ایران می‌توان به ترتیب در بحث تحلیل گفتمان علمی به حسینی (۱۳۸۸) و استاجی و افشین (۱۳۹۰) و در تحلیل گفتمان مصاحبه‌های سیاسی خبرگزاری‌های غربی و مناظره‌های ریاست جمهوری دوره دهم به پژوهش جلیلی فر و علوی (2012) اشاره کرد.

معادل‌های به‌کاررفته در برابر واژه *Hedge* «تعدیل‌گر» در حسینی (۱۳۸۸) و «عبارت احتیاط‌آمیز» در استاجی - افشین (۱۳۹۰) و جلیلی فر - علوی (2012) بوده است. با مراجعه به فرهنگ‌های لغت انگلیسی به فارسی نیز معادل‌هایی از قبیل: «حصار»، «طفره‌رفتن»، «از زیر چیزی در رفتن»، «راه‌بند»، «پرچین ساختن»، «تبدیل»، «پوشش»، «مصونیت»، «مانع»، «سپر»،

«احتیاط به خرج دادن»، «جواب سر بالا دادن»، «نرم کردن یا کاهش شدت (رنگ، حضور و یا صدا)» و «قابل انعطاف» را می‌توان معادل آن یافت. در تحقیق حاضر با توجه به تعریف فریزر (2009) که به دو کارکرد این عبارات، یعنی تعدیل محتوا و تعدیل نیرو، اشاره دارد معادل «نشانگر تعدیل» برای *Hedge* برگزیده شده است که هم به محتوا و هم به هدف مقاله نزدیک‌تر است.

۴. چارچوب نظری

فریزر از پژوهشگران متأخری است که تحقیقاتی در حوزه نشانگرهای تعدیل داشته و الگویی ارائه داده است (Vide. 2009) که چارچوب بخش توصیفی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد. او اعتقاد دارد سخنگو نشانگرهای تعدیل را در جهت عدم تعهد به گفته‌ای یا عضویت کامل در گروهی، یعنی در جهت تعدیل محتوا و یا به دنبال نیروی غیر بیانی گفته، یعنی همان تعدیل نیرو به کار می‌گیرد که نمونه‌هایی از این دو نوع کاربرد در زیر آورده شده است (Ibid: 201):

مثال در تعدیل محتوا:

- a. The pool has sort of an L- Shaped design.
b. Peter's house is almost 100 feet wide.

مثال در تعدیل نیرو:

- c. I think that I must ask you to leave now.
d. It seems that no one wants to go.

نشانگرها ابزارهای زبانی نظیر مقولات واژگانی، ساختارهای نحوی و مشخصه‌های زبرزنجیری هستند؛ درحالی‌که هیچ‌کدام از این طبقات به‌تنهایی ظرفیت دربرگرفتن کل نشانگرهای تعدیل را ندارند.

به اعتقاد فریزر نشانگرهای تعدیل موجب خلق ابزاری برای سخنگویان می‌شوند که از این راه به تضعیف تعهد و یا معنی گفته خود بپردازند و یا با حذف آن‌ها، برعکس به تقویت تعبیر و معنی گفته دست پیدا کنند (Ibid: 203). گرچه برخی پژوهشگران اصطلاحاتی چون انطباقی^{۱۵}، نشانگر ادب، تعدیل‌گر^{۱۶}، تضعیف‌کننده^{۱۷}، کوچک‌کننده^{۱۸}، تقلیل‌دهنده^{۱۹} را به‌عنوان ریزطبقاتی از نشانگرها وضع کرده‌اند، اما بعضی دیگر نیز اصطلاحی یکسان برای گروه‌های مختلف آن‌ها برمی‌گزینند.



فریزر نشانگرهای تعدیل محتوا یا گزاره‌ای را در زبان انگلیسی به صورت ذیل طبقه‌بندی می‌کند؛ هرچند معتقد است همه آن‌ها را دربر نمی‌گیرد:

About, actually, almost, approximately, as it were, basically, can be viewed as, especially, exceptionally, for the most part, generally, in a manner of speaking, more or less, mostly, often, occasionally, principally, roughly, sort of, real, really, relatively, very, virtually, excellence, loosely speaking, in a real sense, technically, typically, on the tall side, particularly. ...

و نشانگرهای تعدیل نیروی غیر بیانی را به صورت زیر معرفی می‌کند:

جدول ۱ نشانگرهای تعدیل نیروی غیر بیانی (Vide. Fraser, 2009)

1. <u>one</u> just doesn't do that.	۱. ضمایر غیر شخصی
2. <u>Even though</u> you dislike the beach, it's worth going for the view.	۲. ربط‌دهنده تصدیقی ^{۲۰}
3. I <u>must</u> ask you to sit down.	۳. کنشی تعدیلی ^{۲۱}
4. <u>Could you</u> speak a little louder?	۴. کنش گفتار غیر مستقیم
5. I <u>believe</u> that he is here.	۵. عبارات مقدماتی
6. I can <u>possibly</u> do that.	۶. قیود وجهی
7. It is <u>possible</u> that there is no water in the well.	۷. صفات وجهی
8. John <u>might</u> leave now.	۸. افعال وجهی
9. The <u>assumption</u> is that you are going to go.	۹. اسم وجهی
10. It <u>seems</u> that no one wants to go.	۱۰. افعال معرفتی ^{۲۲}
11. <u>Didn't</u> Harry leave? [I think Harry left]	۱۱. جملات نقیض ^{۲۳}
12. He's coming, <u>isn't he</u> ?	۱۲. عبارات معکوس ^{۲۴}
13. The picnic is here, <u>I guess</u> .	۱۳. ساخت معترضه
14. <u>If true</u> , we're in deep trouble.	۱۴. بند شرطی
15. Many of the troops <u>were injured</u> . (by Ø)	۱۵. فقدان عامل در مجهول
16. <u>Unless</u> the strike has been called off, there will be no trains tomorrow.	۱۶. عبارات وابسته شرطی
17. I am <u>hoping</u> you will come.	۱۷- اشکال استمراری
18. The mountains <u>should be</u> visible from here.	۱۸. استنتاج غیر قطعی (محتاطانه ^{۲۵})
19. <u>If you don't mind me saying so</u> , your slip is showing.	۱۹. اجازه تلویحی بندهای شرطی

ادامه جدول ۱

20. His style is florid, <u>if that's the right word</u> .	۲۰. بند شرطی به‌عنوان اظهار نظری فرازبانی
21. Chomsky views cannot be reconciled with Piaget, <u>if I understand him correctly</u> .	۲۱. بند شرطی، برای بیان عدم قطعیت درباره دانشی علاوه بر زبان، جهت تفسیری درست از گفته
22. He has an idea, a hypothesis, <u>if you will, that you may find interesting</u> .	۲۲. اظهار نظری فرازبانی

در نهایت باید گفت که نشانگرهای تعدیل در گفتمان‌های متفاوتی به کار گرفته می‌شوند که در بعضی موارد با هم همپوشی دارند از جمله کاربرد ادب- منفی و مثبت-، تعدیل، ارائه میزانی از محافظت خود، اجتناب از تقابل، اجتناب از مسئولیت در قبال واقعیتی رخ داده یا کنشی انجام‌شده، نمایاندن تواضع، مخفی کردن حقیقت، درخواست پوزش، نمایش قدرت. فریزر موارد کاربرد بالا را در دو منظور کلی خلاصه می‌کند: نشانگرهای تعدیلی که الف. برای تعدیل اثر ناخوشایند [گفته] بر شنونده و ارائه مؤدبانه‌تر از پیام استفاده می‌شوند و ب. اجتناب از ارائه اطلاعات از سوی سخنگو به شکلی که موجب ایجاد ابهام و طفره شود.

۵. نشانگرهای تعدیل و گفتمان سیاسی

سیاست یکی از قلمروهای اجتماعی‌ست که روش‌های بررسی آن صرفاً گفتمان‌مدار است؛ شناخت سیاست بر بنیاد ایدئولوژی تعریف می‌شود و ایدئولوژی‌های سیاسی نیز به‌طور گسترده‌ای از طریق گفتمان بازتولید می‌شود. یکی از حوزه‌های برجسته در رویکردهای شناخته‌شده به ایدئولوژی، ماهیت سلطه آن‌هاست؛ به این مفهوم که ایدئولوژی‌ها در شکل‌گیری سوءاستفاده از مشروعیت قدرت گروه‌های سلطه نقش بسزایی دارند؛ همچنان‌که وندایک^{۲۶} نیز بر این باور است که ایدئولوژی اساس بازنمودهای اجتماعی‌ست که توسط گروه‌های اجتماعی توزیع می‌شود (Vide. Idem, 2006: 728). می‌توان گفت که ایدئولوژی به‌طور کلی با گروه‌ها، طبقات، پایگاه‌ها و مردم اجتماع پیوند خورده است. در گفتمان‌های سیاسی نظیر کنفرانس‌های مطبوعاتی، طرفین گفت‌وگو در چارچوب ادب

سیاسی با یکدیگر تعامل دارند و از آنجا که همیشه مقامات سیاسی نسبت به خبرنگاران در سطح بالاتری از جایگاه اجتماعی قرار دارند، عملاً بر نوع سؤالات، خبرنگاران انتخابی و پاسخ‌دهی / عدم پاسخ به سؤالات تسلط دارند و کنترل مباحث در دست آنهاست. از طرفی به دلیل نوع گونه گفتار، زبان به‌کارگرفته در این کنفرانس‌ها، دیپلماتیک بوده و با واقعیت فاصله دارد. اگر سخنگویی احساس کند یک روش خاص در طول صحبت‌هایش بی‌اثر است، آن را تغییر می‌دهد و این انتقال به روش جدید، بستگی به مهارت سخنران دارد؛ اگر ناشیانه اتفاق بیفتد، می‌تواند به درک دو مسئله [از سوی شنونده] بینجامد: ۱. (از دیدگاه خوش‌بینانه) سعی می‌کند از پاسخگویی اجتناب کند؛ ۲. (از دیدگاه بدبینانه) می‌خواهد اظهارات دروغین ارائه دهد (Berlin, 2008: 381). راه‌های متعددی برای سخنگویان زبان وجود دارد تا به‌نوعی منابعی ارائه دهند که گواهی بر اظهاراتشان باشد؛ مانند صورت‌های وجهی و عناصر واژگانی شخصی چون افعال گزارشی، معترضه و صورت‌های قیدی (Vide. Chafe, 1986). استفاده از عبارت «فکر می‌کنم» به یک «نشانگر باور» برمی‌گردد که ریشه دلیل و سند در ذهن سخنگوست. کاربرد این نشانگر تعدیل، به‌طور خودکار نشانه معنی مستند نیست، بلکه در واقع در جهت مقاصد غیر مستند عمل می‌کند. علاوه بر این، فقدان سندی مستقیم، فرصتی مغتتم و منحصربه‌فرد برای به کار بردن مهارت‌های سخنگو، به‌ویژه سیاستمداران محسوب می‌شود تا از این راه درک شنونده را در جهت مقاصد خود دستکاری کنند (Ibid).

۱-۵. نشانگرهای تعدیل و وجه^{۲۷}

مفهوم وجه یکی از مفاهیم زبان‌شناسی است که دارای عملکردی مشابه با نشانگرهای تعدیل است. سیمسون^{۲۸} (1993 quoted by Richardson, 2007: 59) معتقد است وجه، عبارت است از نگرش یا نظر گوینده در مورد صحت گزاره‌ای که در جمله‌ای بیان می‌شود و به ساخت ایدئولوژی متن کمک می‌کند. در بیشتر دیدگاه‌های زبان‌شناسی دو زیرمقوله عمده برای وجه در نظر گرفته می‌شود که شامل وجه معرفتی و وجه تصمیمی^{۲۹} است.

وجه معرفتی با فرضیات گوینده یا نویسنده در تخمین احتمالات در ارتباط است که در بیشتر موارد بیانگر اطمینان و یا عدم اطمینان گویندگان در مورد درستی گزاره مطرح‌شده است (Coates, 1987: 18) و چنین عناصر وجهی بیانگر میزان تعهد گوینده به آنچه می‌گوید

است (Vide. palmer, 1990).

مقوله دیگر، وجه تصمیمی است. عناصر وجه تصمیمی ابزاری هستند که گوینده برای نمایش تصمیم خود نسبت به وقوع یک گزاره مورد استفاده قرار می‌دهد و به‌طور کلی این وجه می‌تواند نشانگر الزام یا اجازه باشد (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۱۹).
با توجه به توضیحات ارائه‌شده می‌توان نتیجه گرفت نشانگرهای تعدیل بیشتر به‌صورت وجه معرفتی تجلی می‌یابد.

۲-۵. نشانگرهای تعدیل و ابهام

مفهوم دیگری که با نشانگرهای تعدیل تداخل دارد و درواقع یکی از راهبردهای استفاده از این نشانگرها در جهت طفره‌رفتن تلقی می‌شود، مسئله ابهام است. هایلند معتقد است که این ابزار سخنگو را قادر می‌سازد تا گفته خود را مبهم بیان کند (Idem, 1998: 5). فریزر در ارتباط با نشانگرها و مسئله ابهام معتقد است ابهام‌گویی عمدی به چند دلیل صورت می‌گیرد: ۱. زمانی که اگر سخنگو به‌طور صریح موضوعی را بگوید، موجب آزار و رنجش شنونده یا مخاطب خود می‌شود؛ ۲. وقتی که سخنگو اطلاعات دقیقی ندارد؛ ۳. ممکن است موضوع حائز اهمیت نباشد و ۴. وقتی که سخنگو عمداً می‌خواهد طفره برود (Fraser, 2010: 27): مثل:
e. I'll be there around six o'clock

۳-۵. نشانگرهای تعدیل و طفره

به‌تایید معتقد است طفره، به‌ویژه از سوی سیاستمداران، یک نوع کنترل است (Idem, 2006: 175). از این ابزار زبانی به‌عنوان نشانگرهای تعدیل بهره می‌برند تا گفته‌های خود را طوری بیان کنند تا هیچ اطلاعاتی در مورد آنچه ضرورت ندارد، ابراز نشود و از این طریق بیانات خود را طراحی و کنترل می‌کنند که اطلاعات به آن میزان که لازم است، در اختیار رسانه‌ها قرار گیرد. این ابزار در جهت کاهش عکس‌العمل‌های منفی، سرزنش‌های اخلاقی و سیاسی و تأکید بر کنترل افراد عادی و روزنامه‌نگاران به کار می‌آید. زمانی که اطلاعات دریافتی، انتظارات ما را برآورده نمی‌کند، با طفره مواجه هستیم. طفره نیز همچون ابهام، به اطلاعات ارائه‌شده از سوی سخنگو، انتظارات و تعبیر شنونده بستگی دارد (Fraser, 2010: 25): به‌طور



مثال:

f. How much do you weight? *g. One doesn't ask* a woman such things.

۶. روش تحقیق

در این تحقیق، داده‌های مورد بررسی را چهار کنفرانس مطبوعاتی داخلی رئیس قوه مجریه دوره دهم طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۰ تشکیل می‌دهند که به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند. ابتدا نشانگرهای تعدیل در این کنفرانس‌ها براساس جدولی هفتگانه متشکل از پرسامدترین نشانگرها به استناد الگوی فریزر (2009) توصیف و سپس هدف از کاربرد آن‌ها براساس «نگفا» تبیین می‌شود. طبقه‌بندی نهایی نشانگرها عبارت‌اند از:

عبارات وجهی، افعال معرفتی، فقدان عامل در مجهول، حروف ربط تصدیقی که همه بیانگر مفاهیمی همچون تردید، عدم قطعیت، ابهام، طفره، احتمال، امکان و نگرش نویسنده هستند. در گروه ششم با عنوان موارد متفرقه ساخت‌هایی که به‌نوعی در جهت ابهام، طفره و سلب مسئولیت به کار رفته باشد، ارائه می‌شود؛ مانند ضمائر مبهم، ارجاع، اسم‌سازی^{۳۰} و افعال غیر شخصی که همگی در گفتمان‌های سیاسی کاربرد فراوانی دارد. درخصوص عبارات وجهی ذکر این نکته حائز اهمیت است که کاربرد این اصطلاح به تأسی از نقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) و به سبب تفاوت دیدگاه در طبقه‌بندی «شاید» به‌عنوان قید وجهی / فعل وجهی بوده و البته استفاده از اصطلاح عبارات وجهی در اینجا دربردارنده انواع فعلی (ساده و مرکب) (نک. طیب‌زاده، ۱۳۹۳) و قیدی است.

یکی از راه‌هایی که توسط رسانه‌ها بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد و تحلیلگران انتقادی نیز از آن در تحلیل‌های خود بهره می‌برند، راهکار *اسم‌سازی* است که طی آن فاعل بند، حذف و گروه فعلی به گروه اسمی تبدیل می‌گردد و در جایگاه مبتدای بند قرار می‌گیرد (غیاثیان، ۱۳۸۶: ب: ۷۲). تبدیل فعل به اسم، علاوه بر این‌که موجب حذف زمان از فعل می‌شود، مسئولیت کنش انجام‌شده را نیز از عهده هر کنش‌گری برمی‌دارد و به باور غیاثیان (نک. همان) به جای بازنمایی کنش، به‌صورت رخداد قابل مشاهده و ملموس توسط کنش‌گر اجتماعی مشخص، کنش را به‌صورت پدیده‌ای کلی و انتزاعی نشان می‌دهد که به تعبیر یارمحمدی موجب ابهام و پوشیدگی عمل می‌شود و فرآیند پیچیده‌ای را در ظاهر ساده جلوه می‌دهد (یارمحمدی و خسروی‌نیک، ۱۳۸۰: ۱۸۱). وی

ادامه می‌دهد که به این ترتیب اسامی حاصله از این فرآیند (از قبیل مردن و مرگ) رفته‌رفته هویت ثابتی پیدا می‌کنند و وارد فرهنگ لغات می‌شوند و در نتیجه، ذخیره شناختی و ادراکی زبان را در ذهن تحت تأثیر قرار می‌دهند و این خود رفتار اهل زبان را در نهایت تغییر می‌دهد. یارمحمدی و همکار (نک. همان) در مورد استفاده از فعل مجهول به جای فعل معلوم اظهار می‌دارند که ما به این ترتیب آغازه^{۲۱} را در جمله حذف می‌کنیم که این امر به‌طور عمد و با نیت قبلی (یا احیاناً عدم اطلاع) اتفاق می‌افتد و پیرو حذف عمدی، عامل این بخش از حقیقت فاش نشده و به پنهان‌سازی روی آورده می‌شود.

غیاثیان (۱۳۸۷) در همین راستا در بیان راهکار نامشخص‌سازی و پنهان کردن هویت شرکت‌کنندگان از سوی نویسندگان خبر سیاسی به سه دلیل اشاره می‌کند: کم یا بی‌اهمیت جلوه دادن هویت کنش‌گر در نظر خواننده/شنونده، شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت کنش رخ داده، به تصویر کشیدن کنش‌گران همراه با نوعی قدرت غیر شخصی و نیروی نامرئی سرکوبگر. او استفاده از ضمائر نامعین و فعل مجهول را در راستای رسیدن به اهداف بالا می‌داند.

در جدول زیر استفاده از امکانات و ساخت‌های زبانی با درجات متفاوتی از اطمینان به نقل از افراد مختلف گردآوری شده است:

جدول ۲ ساخت‌های زبانی با درجه اطمینان متفاوت (نک. ذاکری، ۱۳۸۵: ۱۱۳)

الف) شناخت و اطمینان بیشتر	ب) درجه شناخت و اطمینان کمتر
استفاده از ساخت صریح و روشن: الف: ساخت معلوم، سیمپسون (1993) ب: جمله‌های کوتاه، هایمن ^{۲۲} (1994) ج: ساخت‌های نقل قول مستقیم، سیمپسون (1993)، لیچ ^{۲۳} (1985) وجه: استفاده از ساخت‌های وجه اخباری، گیون ^{۲۴} (1995) و وجه امری جمله‌های مثبت و منفی	استفاده از ساخت‌های مبهم و مشروط: الف: ساخت مجهول ب: جمله‌های بلند ج: ساخت‌های نقل قول غیر مستقیم وجه: به‌کارگیری ساخت‌های التزامی، شرطی، تمنایی، آرزو، پرسش مانند: شود، برود، اگر...ای کاش، امیدوار بودن، آیا...

ون‌دایک در قالب ابهام‌گویی (معنادار) بیان می‌دارد که تقریباً در بیانات تمام سخنرانان، ابهام‌گویی وجود دارد (Van Dijk, 2006: 732). عباراتی مثل سورها (اندکی، مقداری)، قیود (خیلی)، اسامی (چیز) و صفات (کوتاه، بلند) از کاربردهای معمول ابهام‌گویی محسوب می‌شوند.

همان‌طور که بیان شد، استفاده از نشانگرهای تعدیل یک پدیده مستقل زبانی نیست، بلکه با مفاهیم متعددی رابطه دارد. در ادامه، به چند مفهوم مهم که با نشانگرهای تعدیل مرتبط هستند، اشاره می‌کنیم.

۷. تحلیل داده‌ها

برای انجام این تحقیق ابتدا چهار کنفرانس رئیس‌جمهور (دوره دهم) بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ به‌طور تصادفی انتخاب شد^{۳۵} که عبارت‌اند از:

کنفرانس (۱۳۸۸/۰۳/۲۴) با عنوان: *ملت ایران ظرفیت تصمیمات، اقدامات و جهش‌های بزرگ را در عرصه‌های گوناگون دارد.*

کنفرانس (۱۳۸۸/۰۶/۱۶) با عنوان: *نخستین نشست دکتر احمدی‌نژاد با اصحاب رسانه در دولت دهم.*

کنفرانس (۱۳۸۸/۱۱/۲۷) با عنوان: *نشست خبری رئیس‌جمهور با نمایندگان رسانه‌های داخلی و خارجی.*

کنفرانس (۱۳۸۹/۰۹/۰۹) با عنوان: *دنیای امروز نیازمند راه و نظم جدیدی است.* در ادامه، به دلیل فراوانی تعداد مثال‌ها صرفاً به ذکر نمونه‌هایی^{۳۶} در جدول زیر می‌پردازیم:

جدول ۳ نمونه نشانگرهای تعدیل رئیس‌جمهور دوره دهم در کنفرانس‌های مطبوعاتی داخلی

مثال	نشانگرهای تعدیل
<p>*انتخابات در ایران با حضور نزدیک به چهل میلیون نفر برگزار شده و فاصله‌ها آن قدر زیاد است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را زیر سؤال ببرد.</p> <p>*روشن است که دولت برآمده از ملت باید تحقق این خواسته ملت را با جدیت دنبال بکند.</p> <p>*آن‌ها ملت را نمی‌شناسند؛ ملتی شاید احساس ضرورت نکنند و در یک دوره احساس ضرورت کنند و شرکت کنند؛ هم اینها و هم برخی رسانه‌ها خیال می‌کنند که اگر ده میلیون که شرکت نکرده‌اند، در انتخابات شرکت کنند، حتماً به او رأی می‌دهند؛ اینها لوس‌بازی است. ملت، ملت، یک ملت روشن است.</p>	۱. افعال وجهی
<p>* البته ممکن است افرادی ناراحت و دلخور شوند از این مسائل، ولی من فکر می‌کنم ارزشی که برای تاریخ ایران خواهد داشت، مهم‌تر از این دلخوری‌های فردی است.</p>	۲. افعال معرفتی
<p>*از سه ماه قبل تمام تحرکات تبلیغاتی رقبای بنده در رسانه‌های ملی منعکس شد.</p>	۳. فقدان عامل در مجهول
<p>* امیدواریم با حضور قاطع خود دانشگاهیان، شاهد روزافزون شدن ایده‌ها در دانشگاه‌هایمان، به‌ویژه در حوزه‌های علمیه باشیم؛ گرچه این امر در دانشگاه‌های ما هست، اما نوعاً در حیطه‌های محدود است.</p>	۴. ربط‌دهنده تصدیقی
<p>* همه دنیا می‌گویند: ایرانی‌ها با فرهنگ بودند؛ به حکومت ساسانیان خراب کرد، ممکن است حکومت‌های دیگری هم بودند که خراب کردند.</p> <p>* ما هم نشنیدیم کسی زمان بگذارد؛ ممکن است افرادی اظهار نظر کرده باشند. خیلی روشن است این ادبیات با نیاز امروز و با رویکرد ملت ایران ناسازگار است.</p>	۵. صفات وجهی
<p>*نظام قضایی در ایران نظام مستقلی است، اما من چون مخالف اساس کشته‌شدن انسان‌ها هستم هم سعی می‌کنم در جامعه، فضای اجتماعی به گونه‌ای باشد که جرمی اتفاق نیفتد.</p> <p>* عربستان و مصر از کشورهای مهم جهان اسلام و منطقه هستند و همراهی آن‌ها با ایران شرایط منطقه را تغییر خواهد داد و فرصت‌ها را از متجاوزان، اشغالگران و دست‌اندازان به منطقه خواهد گرفت.</p> <p>*انتخابات در ایران با حضور نزدیک به چهل میلیون نفر برگزار شده و فاصله‌ها</p>	۶. موارد متفرقه (اسم‌سازی) (ضمایر مبهم)

مثال	نشانگرهای تعدیل
<p>آن‌قدر زیاد است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را زیر سؤال ببرد.</p> <p>* جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عربی روابط برادرانه‌ای دارد؛ البته با <u>بعضی</u> از آن‌ها نوساناتی هم داریم که ناشی از دخالت <u>دیگران</u> است.</p> <p>* من باید اعلام کنم در انتخابات جمعه، ملت پیروز شدند؛ هفتاد میلیون نفر پیروز شدند و چهل میلیون نفر هم پیروزتر. من مطمئنم اگر <u>دیگران</u> هم شرایط را داشتند، شرکت می‌کردند؛ چون ملت ایران متعهدترین ملت‌هاست. اما این‌که <u>بعضی‌ها</u> اعتراض می‌کنند، اینها خیلی مهم نیست و طبیعی است و ...</p> <p>* خوب این سیاست، شکست خورده است؛ البته من یک تحلیلی دارم مبنی بر این‌که <u>برخی</u> افراد پول‌ها را در جیب خود می‌گذارند و صورت‌حساب می‌دهند.</p> <p>* اگر <u>کسانی</u> فکر می‌کنند با اشغالگری می‌توانند کاری از پیش ببرند، سخت در اشتباه هستند.</p> <p>* ما فکر می‌کنیم بخش‌های سرمایه‌گذاری در مبادلات پولی و بانکی <u>باید</u> از بخش‌های تأمین نیازهای ضروری <u>تفکیک</u> شود، در بخش سرمایه‌گذاری <u>باید</u> مشارکت شکل <u>بگیرد</u>.</p>	<p>(افعال غیر شخصی)</p>

در ادامه، با اشاره به چند بافت موقعیت و سؤال مطرح‌شده از سوی خبرنگاران، هدف از کاربرد تعدیل‌گرها را در این مجموعه سخنانی‌ها به تفصیل بیان می‌کنیم:

کنفرانس مطبوعاتی مورخ: ۱۳۸۸/۳/۲۴:

سؤال: خبرگزاری فارس در مورد این‌که اخباری در دست است که افراطیون و اغتشاش‌گران تصمیم به تحصن در برخی مکان‌ها گرفته‌اند، نظر رئیس‌جمهور را جویا می‌شود.

پاسخ: در این انتخابات فضا آن‌قدر باز بود که شما دیدید سه نفر در برابر یک نفر و بیش از سه برابر از رسانه ملی استفاده کردند. طبق قانون انتخابات مدت تبلیغ بیست روز است، اما از سه ماه قبل تمام تحرکات تبلیغاتی رقبای بنده در رسانه‌های ملی منعکس شد.

کاربرد مجهول و حذف عامل در آن که به شکل مبهم از بیان کنش‌گر عامل طفره می‌رود و به‌طور غیر مستقیم، مقدماتی منطقی را فرض مسلم می‌گیرد که به هدف کنش تأثیری^{۳۷}،

اذهان شنوندگان را به نتیجه دلخواه خود معطوف می‌سازد و نوعی طفره‌روی از پاسخ به موضوع اصلی نیز به شمار می‌آید.

ادامه پاسخ: در ایران قانون حاکم است و همه در برابر قانون مساوی و برابر هستند. انتخابات بسیار پرشور بوده است؛ البته در یک مسابقه فوتبال هم ممکن است تماشاچی‌ها عصبانی شوند و نیروهای انتظامی با آن‌ها برخورد کنند.

در اینجا نیز استفاده از ضمیر مبهم «همه»، مجدداً به هدف حاشیه‌رانی موضوع، مطرح شده و طفره از پاسخ مستقیم به کار رفته است. صفت وجهی «ممکن» نیز تعدیل نیروی کنش گفتار وی را به خوبی نشان می‌دهد.

سؤال (خبرنگار روزنامه کیهان): در مورد این‌که دو رقیب به او تبریک نگفتند و در تلاشند تا ۲۸ تیر دیگری به راه بیندازند و جلسات مخفیانه دارند، شما چه تدابیری برای این قائله دارید؟

پاسخ: من باید اعلام کنم در انتخابات جمعه، ملت پیروز شدند؛ هفتاد میلیون نفر پیروز شدند و چهل میلیون نفر هم پیروزتر. من مطمئنم اگر دیگران هم شرایط را داشتند، شرکت می‌کردند؛ چون ملت ایران متعهدترین ملت‌هاست. اما این‌که بعضی‌ها اعتراض می‌کنند، اینها خیلی مهم نیست و طبیعی است و ...

استفاده از ضمایر مبهم «دیگران» و «بعضی‌ها» در راستای طفره از پاسخ مستقیم به سؤال و اشاره غیر مستقیم به کنش‌گران فعال در سؤال است.

کنفرانس مطبوعاتی مورخ: ۱۳۸۸/۶/۱۶:

س (خبرنگار روزنامه عصر اقتصاد): برنامه دولت شما برای سودهای بانکی چیست؟
پ: ما فکر می‌کنیم بخش‌های سرمایه‌گذاری در مبادلات پولی و بانکی باید از بخش‌های تأمین نیازهای ضروری تفکیک شود، در بخش سرمایه‌گذاری باید مشارکت شکل بگیرد؛ هرچقدر سود شد، براساس قرارداد بین سرمایه‌گذار و کارآفرینان تقسیم شود.

کاربرد فعل معرفتی «فکر می‌کنیم» برای تعدیل نیروی تأثیری بر شنونده و کاهش تعهد گوینده است و استفاده از فعل غیر شخصی «باید شکل بگیرد» و فعل مجهول نیز در راستای تعدیل نیروی غیر بیانی و حذف کنش‌گر فعال در راستای کاهش تعهد و مسئولیت است. نکته قابل تأمل کاربرد فعل وجهی «باید» در این نمونه است که به کلی‌گویی پاسخ، کم‌اهمیت

جلوه‌دادن آن و در حاشیه قرار دادن آن کمک می‌کند.

پ: ما می‌توانستیم بسیار زودتر از امروز لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها را که پایه اجرای «اصل ۴۴» است، در اختیار داشته باشیم.

فعل وجهی «می‌توانستیم» جهت تعدیل نیروی غیر بیانی به کار می‌رود و به نوعی کمک می‌کند که گوینده بدون اشاره مستقیم به کنش‌گر فعال و حقیقت رخ داده و بازدارنده از نظر او، به طور مبهم مسئله را بیان کند. همچنین زمان گذشته در این فعل وجهی بیانگر فرضی بودن و غیر محتمل بودن رخداد است.

س (خبرنگار ایسنا): درباره تسریع در ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی.

پ: امیدواریم با حضور قاطع خود دانشگاهیان، شاهد روزافزون شدن ایده‌ها در دانشگاه‌هایمان، به‌ویژه در حوزه‌های علمی باشیم؛ گرچه این امر در دانشگاه‌های ما هست، اما نوعاً در حیطه‌های محدود است.

«امیدواریم» به‌عنوان تعدیل‌گر مؤثر در کاهش اثر مسئولیت کامل صحت گزاره، موجب کم‌رنگ‌سازی حضور گوینده، به‌عنوان کنش‌گر فعال در پذیرش مسئولیت کنش انجام‌شده یا حقیقت موجود می‌شود. همچنین استفاده از ربط‌دهنده تصدیقی «گرچه» که ظاهراً در خلاف رخداد بند اصلی است، اما عملاً این‌گونه نیست و موجب تعدیل کلی پیام است.

س (خبرنگار ایرنا): طبق گفته کارشناسان، خط فقر ۱۵۰ هزار تومان است؛ درحالی‌که حقوق کارگران ۲۶۳ هزار تومان؟...

پ: خط فقر از امور سرکاری است؛ چرا که به‌صورت دقیق و مشخص نمی‌توان آن را تعریف کرد. شما حدود نیازهای یک خانواده را چه تعریف می‌کنید؟

کاربرد فعل وجهی «توانستن» به‌صورت غیر شخصی بیانگر احتمال و امکان است و اگر به‌صورت منفی استفاده شود، به جای تعدیل، کاربرد تقویت‌کنندگی دارد که در این مقال موضوع بحث ما نیست؛ اما در عین حال کاربرد غیر شخصی آن، شدت حضور کنش‌گر فعال را در پاسخ به صفر می‌رساند و طفره به‌خوبی اعمال می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد کاربرد سؤالات بلاغی^{۳۸} نظیر سؤال بالا که هدف از طرح آن انتظار پاسخ از مخاطب نیست، بلکه این نوع پرسش نوعی اظهار نظر غیر مستقیم و البته ابزاری جهت طفره و ابهام‌گویی است؛ تاکنون به چنین نمونه‌ای از تعدیل در هیچ‌یک از آثار پیشین اشاره‌ای نشده است و برای

اولین بار غیاثیان در این پژوهش آن را به فهرست نشانگرهای تعدیل اضافه می‌کند و نکته شاخص در گفتمان رئیس‌جمهور دهم، کاربرد متعدد سؤال‌های بلاغی، به‌ویژه در مصاحبه‌های مطبوعاتی خارجی است که در این بحث نمی‌گنجد.

کنفرانس مورخ: ۸۹/۵/۲۰

س: در باب اظهارات مهندس مشایی دربارهٔ مکتب ایرانی و انتقادات صورت‌گرفته از این سخنان.

پ: یک حساسیت روی آقای مشایی درست کردند که به نظر من این حساسیت عادی نیست؛ غیر عادی است. اگر کسی کلمهٔ ایران را به کار برد، این به معنای ملی‌گرایی نیست؛ ملی‌گرایی آن بود که کسانی به نام ایران پشت جبههٔ رزمندگان را برابر صدام خالی می‌کردند. مرحوم علامه طباطبایی فرمودند که هر جا ما می‌گوییم ایران یعنی اسلام.

در این پاسخ نیز به صراحت شاهد طفره و ابهام‌گویی هستیم. کاربرد ضمیر مبهم «کسی»، راهکاری پربسامد برای اشارهٔ غیر مستقیم و نامشخص به کنشگر اصلی است. ضمناً استفاده از راهکار ارجاع نیز برای ارجاع بار مسئولیت بر فرد دیگر و شانه خالی کردن از مسئولیت حقیقت یا کنش رخ داده است.

کنفرانس مورخ: ۸۹/۹/۹

س (خبرنگار ایرنا): ارتباط ترور دو استاد دانشگاه و به بن بست کشیدن مذاکرات ۱ + ۵ در ارتباط با سخنان رئیس سازمان امنیتی آمریکا چیست؟

پ: امیدواریم کسانی که در مذاکرات آینده شرکت می‌کنند، شرایط را بفهمند و بفهمند که زور، ارباب و رفتار خلاف قانون نتیجه نمی‌دهد.

رئیس‌جمهور ابتدا با استفاده از تعدیل‌گر «امیدواریم»، پاسخش را تضعیف کرده و سپس با استفاده از ضمیر مبهم و اسامی «زور» و «ارباب» از پاسخ مستقیم طفره رفته است.

س (خبرنگار روزنامهٔ توکیو): در مورد جایگزینی شرکت‌های چینی با شرکت‌های ژاپنی در بخش نفت.

پ: این را باید از شرکت‌های ژاپنی پرسید؛ کسی التماس کسی را برای کار کردن نمی‌کند. هرکسی حضور داشته باشد، می‌تواند استفاده کند.

این نمونه، تنها نمونهٔ مشاهده‌شده از نوع افعال کنشی تعدیلی است؛ بدین معنی که فعل

پرسیدن از جمله افعال کنشی است که با استفاده از فعل وجهی «باید» شدت آن تخفیف می‌یابد. کاربرد «کسی» هم در جایگاه کنش‌گر و هم کنش‌پذیر نیز طفره و ابهام‌گویی ویژه‌ای را ایجاد کرده است که در کنار مصدر «کارکردن»، بدون اشاره صریح به نوع فعالیت مورد نظر، این ابهام را دوچندان می‌کند. این پاسخ با استفاده از شش نشانگر تعدیل از مواردی است که می‌توان برای نشان دادن ابهام و طفره حداکثری از آن بهره برد.

س (خبرنگار ایرنا): درباره برخی اقدامات دشمن در جهت مقابله با برنامه هسته‌ای ایران و همچنین مکان‌یابی سایت‌های هسته‌ای ایران.

پ: خرابکاری‌هایی انجام دادند که مسیر آن‌ها کشف و علت برطرف شد؛ مثلاً نرم‌افزارهایی در قطعات الکترونیکی نصب کرده بودند و بداخلاقی‌هایی داشتند.

کاربرد اسم‌سازی (خرابکاری، بداخلاقی) آن هم به صورت کلی‌گویی، بدون ذکر مصداق مشخص نیز یکی از پر بسامدترین راهکارهای ابهام‌گویی است که صورت گرفته است تا از هرگونه برچسب‌دهی و اتهام مشخص سیاسی پرهیز گردد و اصول زبان دیپلماتیک حفظ شود.

۸. نتیجه‌گیری

در تحلیل نهایی می‌توان نتیجه گرفت از میان انواع نشانگرها، به ترتیب بهره‌گیری از ساخت مجهول، بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده است؛ سپس ضمائر مبهم در رتبه دوم کاربرد نشانگرهای تعدیل قرار می‌گیرد. کاربرد کنشی تعدیلی نیز تنها در یک مورد مشاهده شد که ذکر آن پیشتر گذشت. نکته قابل توجه دربرگیری فرآیند اسم‌سازی و افعال غیر شخصی هر دو تحت عنوان ساخت مجهول یا فقدان عامل در مجهول است؛ زیرا عملاً همگی هدف یکسانی را دنبال می‌کنند و آن، کلی‌گویی و عدم اشاره مستقیم و مشخص به کنش‌گران/کنش‌های انجام‌شده است.

در مورد ضمائر مبهم که در کنفرانس‌های رئیس‌جمهور رتبه دوم را از نظر نوع و بسامد نشانگرها به خود اختصاص داده است، موارد زیادی ضمیر «کسی»، «کسانی»، «برخی» و «عده‌ای» مشاهده شد که به هویت مشخصی ارجاع نمی‌دهند تا بدین ترتیب نیروی تأثیری را در مخاطب کاهش دهند. درباره مخاطب، ذکر این نکته ضروری می‌نماید که خبرنگاران در این گونه گفتگویی، شنونده یا دریافت‌کننده اولیه پاسخ و پیام هستند، اما مخاطب هدف درواقع

افراد دیگری هستند که در جلسه اغلب حضور ندارند و مرجع اصلی پاسخ‌ها به شمار می‌روند. به همین دلیل است که زبان دیپلماتیک و ادب سیاسی موجب می‌شود راهکارهایی اتخاذ شود که سخنران را از هرگونه اتهام سیاسی/ اخلاقی به غیر برحذر دارد و بازخوردهای منفی کمتری در جامعه داخلی و بین‌المللی برانگیزد. رئیس‌جمهور، منتخب ملت و نماینده آنان است؛ بنابراین هرگونه عکس‌العمل و پاسخی در برابر خبرنگاران داخلی و به‌ویژه خارجی- که فرکلاف (1995) از آن به کردارهای فرهنگی اجتماعی بافت وابسته یاد می‌کند-، درباره مسائل حساس بین‌المللی کاملاً خودآگاه و حساب‌شده صورت می‌گیرد.

داده‌های مورد بررسی در این پژوهش به این نتیجه منتهی شد که نشانگر تعدیل برخلاف نظر لیکاف (1972) - که با توجه به منطق فازی یکی از کاربردهای این نشانگرها را تقویت عضویت در گروه یا تقویت نیروی بیانی می‌دانست- و هم‌راستا با نظر فریزر (2009, 2010)، ابزاری در جهت تضعیف نیروی غیر بیانی و تأثیر آن بر مخاطب به شمار می‌رود و هدف رئیس‌جمهور دولت دهم نیز از به‌کارگیری نشانگرهای مجهول، ضمائم مبهم و عبارات وجهی، تضعیف شدت تأثیر گفته خود بر مخاطب هدف- که برای نمونه، رقبای انتخاباتی، اسرائیل، آمریکا یا اعضای ۱+۵ بوده‌اند-، کاهش شدت کنش رخ داده و بی‌اهمیت جلوه‌دادن آن و طفره‌رفتن از پاسخ صریح و شفاف و به دور از ابهام به خبرنگاران بوده است. آنچه براون و لوینسون (1987) حفظ وجهه و ادب در نظر می‌گیرند و فریزر نیز بدان اشاره کرده است، به‌صورتی بسیار پیچیده و چندوجهی در اینجا مشاهده می‌شود؛ زیرا با توجه به این‌که در گونه کنفرانس مطبوعاتی داخلی، خبرنگاران، مخاطب مستقیم و بلافصل مقام دولتی هستند و آن‌ها در جایگاه اجتماعی یکسانی با یکدیگر قرار ندارند و مباحثه‌ای بین دو طرف شکل نمی‌گیرد که سخنگو نگران حفظ وجهه طرف مقابل باشد، بنابراین کاربرد نشانگرها به هدف رعایت ادب و حفظ وجهه صورت نمی‌گیرد، بلکه تنها ادب سیاسی است که اتفاق می‌افتد و آن هم به موجب در نظر گرفتن ملاحظات دیپلماتیک با مخاطب هدفی است که پیام برایش ارسال می‌شود (برای اطلاعات بیشتر، نک. غیاثیان و ذاکری، در دست چاپ).



۹. پی‌نوشت‌ها

1. genre
2. hedges
۳. این سرواژه را غیاثیان (۱۳۸۶ الف) برای اولین بار برای اصطلاح «تحلیل گفتمان انتقادی» وضع کرد و از این پس در این مقاله به جای استفاده از ترکیب کامل، از این سرواژه استفاده می‌شود.
4. hedging
5. Lakoff, G.
6. Rosch
7. Brown & Levinson
8. Coates
9. Hyland
10. Illocutionary force
11. Weinreich
12. metalinguistic operators
13. Mayers
14. Markkanen, & Schroder.
15. adaptor
16. mitigator
17. weakener
18. minimizer
19. diminisher
20. concessive
21. hedged performative
22. epistemic verbs
23. negation
24. reversal tag
25. tentative inference
26. Van Dijk, T.
27. modality
28. Simpson
29. deontic
30. nominalization
31. theme
32. Haiman
33. leech
34. Givon
۳۵. متن کامل کنفرانس‌ها از سایت ریاست جمهوری به آدرس: *www. president. ir* گرفته شده است.
۳۶. نمونه‌هایی نیز در پیوست «۳» ارائه می‌شود.
37. perlocutionary
38. rhetoric

۱۰. منابع

- استاجی، اعظم و فهیمه افشین (۱۳۹۰). «بررسی کاربردشناختی عبارت‌های احتیاط‌آمیز در مقالات علمی- پژوهشی فارسی». *مجله پژوهش‌های زبانی*. د ۲. ش ۲ (پاییز و زمستان). صص ۱۷-۳۶.
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران (www.president.ir).
- جعفری، محمدرضا (۱۳۷۵). *فرهنگ فشرده انگلیسی- انگلیسی و انگلیسی- فارسی*. تهران: نشر نو.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۸). «ادب و قدرت: نشانگرهای زبانی مخالفت در جلسات دفاع از پایان‌نامه». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س ۱. ش ۱ (پاییز و زمستان). صص ۷۹-۱۰۰.
- زاگری، طاهره (۱۳۸۵). *مطالعه تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۳). *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز*. تهران: مرکز.
- غیاثیان، مریم‌سادات (۱۳۸۶الف). «بازنمایی «ما» و «آن‌ها»: تصویر سفیدپوستان و مسلمانان در نشریات غرب پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱». *مجله رسانه*. ش ۷۲. صص ۲۰۵-۲۱۲.
- ----- (۱۳۸۶ب). *بازنمایی اسلام در نشریات آمریکا و انگلیس قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ----- (۱۳۸۷). «هویت‌دهی به مسلمانان: بررسی موردی نشریات آمریکا و انگلیس». *پژوهش‌نامه هویت*. ش ۱۹. صص ۱۲۳-۱۳۷.
- ----- و همکاران (۱۳۹۳). «تحلیل اپیزودی فعالیت هسته‌ای ایران در مطبوعات غرب». *جستارهای زبانی*. ش ۲. صص ۱۷۹-۲۰۶.
- غیاثیان، مریم‌سادات و طاهره زاگری (بی‌تا). «ادب و قدرت: مطالعه نشانگرهای تقویت/

- تعدیل در زبان سیاسی». *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*. (در دست چاپ).
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۲). *فرهنگ فشرده علوم اقتصادی*. تهران: البرز.
 - نقی‌زاده، محمود و همکاران (۱۳۹۰). «بررسی مفهوم ذهنیت در افعال وجهی در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. ش ۱. صص ۱- ۲۰.
 - یارمحمدی، لطف‌الله و مجید خسروی‌نیک (۱۳۸۰). «شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری- اجتماعی». *نشریه علوم اجتماعی نامه فرهنگ*. ش ۴۲. صص ۱۸۱-۱۸۸.

References:

- Aijmer, K. & Simon-Vandenberg, Ann- Marie (2004). "Pragmatics Markers". *Handbook of Pragmatics*. pp. 1- 10.
- Alavi-nia, M. & A. Jalilifar (2012) "We believe the Iranian nation can: The manifestation of power in Iranian televised presidential debates". in *Language and communication*. 33 (1). pp. 8-25.
- Berlin, L. (2008). "I think, therefore commitment in political testimony". *Journal of Language and Social Psychology*. Vol. 27. No. 4. pp. 372- 383.
- Bhatia A. (2006). "Critical discourse analysis of political press conferences". In *Discourse and Society*. pp. 178- 208.
- Brown & Levinson (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge University Press.
- Caffi, C. (2007). *Mitigation*. Amsterdam: Elsevier.
- Chafe, W. (1986). "Evidentiality in English Conversation and Academic Writing". In W. Cafe & Nichols (Eds). *Evidentiality: The Linguistic Coding of Epistemology*. pp. 207- 272. (Norwood. NJ: Ablex).
- Clemen, G. (1987). "Hedging in English journalistic economics". *Europa Universität Viadrina*. Frankfurt and der oder. pp. 41- 44.
- ----- (1997). "The concept of hedging: Origins, approaches and definitions". In *Hedging and Discourse*. Hartmut Schroeder and Raija Markkanen

- (eds). pp. 80- 97. Berlin: de Gruyter.
- Coates, J. (1987). "Epistemic modality and spoken discourse". *Transactions of the Philological Society*. 85. pp. 100- 131.
 - Eshbough-Soha, M. (2003). "Presidential press conferences over time". *American Journal of political science*. 47 (2). pp. 53-348.
 - Estaji, A, F. Afshin (2001). "A study of hedging in Persian academic papers". *Journal of Language Researches*. vol. 2. No. 2. Autumn 2011. Pp. 17-36 [In Persian].
 - Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis*. New York: Longman.
 - Farhang, M. (1993). *A Concise Dictionary of Economical Sciences*. Alborz: Tehran
 - Fraser, B. (1999). "What are discourse markers?". *Journal of Pragmatics*. 31. pp. 931- 952.
 - ----- (2009). "Hedging in political discourse". In *papers from the 2d International conference on PD Warsaw*. Poland (edited by piotrcap).
 - ----- (2010). "Pragmatic competence: The case of Hedging". in *Perspectives in politics and Discourse* Eds. by Gunther Kaltenbock, Wiltrud Mihatsch and Stefan Scheider: Emerald.
 - Ghiasian, M. et al. (2014). "Episodic analysis of Nuclear Activity of Iran in West newspapers". *Language Related Research*. Vol. 5. No. 2. pp. 179-206 [In Persian].
 - Ghiasian, M. & T. Zakeri (Under Publication). "Politeness and Power: A study of boosting and hedging in political language". *Iranian Political Science Association* [In Persian].
 - Ghiasian, M. (2007a). "Representation of "Us" and "Them: Image of Whites and Muslims in west periodicals after septembre 11, 2001". *Rasaneh: A Quarterly Journal of Media Scientific-Promotional*. No. 72. Pp. 205-214 [In Persian].
 - ----- (2007b). *Representation of Islam in American and British Periodicals Before and After Septembre 11*. Unpublished Ph.D. Dissertation. Tarbiat Moddares University of Tehran, Iran [In Persian].



- ----- (2008). "Giving identity to Muslims: A case study of American and British periodicals after 9/11". *Identity*. No. 19. pp 123-137[In Persian].
- Hosseini, S. M. (2009). "Politeness and power: Opposition linguistic markers in defend the thesis session". *Researches in Linguistics*. Vol. 1. No. 1. Pp. 79-100 [In Persian].
- Hyland, K. (1996). "Writing without conviction? Hedging in science research article". *Applied Linguistics*. 17 (4). pp. 433- 454.
- Jafari, M. R. (1994). *Dictionary of English-English and English-Persian*. Tehran: Nashre No.
- Jalilifar, A. & M. Alavi-nia (2012). "'We are surprisd; wasn't iran disgracd there?'. A functional analysis of hedges and boosters in televised Iranian and American presidential debates". *Discorse and Communication*. 6 (2). pp. 135- 161.
- Lakoff, G. (1972). "Hedges: A study in meaning criteria and the logic of fuzzy concepts". *CLS*. 8. pp. 183- 228.
- Markkanen, R & H. Schroder. (1996). "Hedging: A challenge for pragmatics and discourse analysis". in R. Markkanen (ed). *The Analysis of a Pragmatic Phenomenon in Academic Texts*. (3-18). Berlin: Walter de Gruyter.
- Matei, M. (2010). *Discourse Makers As Functional Element*. Bulletin of Transylvania University of Brasor. Vol. 3.
- Mayers, G. (1989). "The pragmatics of politeness inscientific and H. Schroder (eds)- articles". *Applied Linguistics*. 10 (1). pp. 1-35.
- Naghizadeh, M. et al. (2011). "An inquiry in the concept of subjectivity involving modal verbs in Persian". *Researches in Linguistic*. 3 (4). pp 1-20[In Persian].
- Palmer, F. (1990). *Modality and the English Modals*. (2 Ed). London: Longman.
- President of the Islamic Republic of Iran website: www.president.ir
- Richardson, J. (2007). *Analyzing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis*. New York: Palgrave Publishing.
- Safavi, K. (1990). *An Introduction to Semantics*, Islamic Development

Organization: Tehran [In Persian].

- Schaffner, C. ed. (1997). *Analyzing Political Speeches*. London: Short Run press ltd.
- Tabibzadeh, O. (2014). *Verb valency and Sentence Basic Structures in Modern Persian*. Tehran: Markaz [In Persian].
- Van Dijk, T. A. (1993). "Principle of critical discourse analysis". *Discourse of Society*. 4 (2). pp. 252- 280.
- ----- (2006). "Politics, ideology, and discourse". *Elsevier Encyclopedia of Language and Linguistics*. Vol. On political and Language (Ruth Wodak ed). pp. 228- 740.
- ----- (1995). "The mass media today: Discourses of domination or diversity?" *Javnost/The Public (Ljubljana)*. 2 (2). pp. 27-45.
- Weinreich, U. (1966). "On the semantic structure of English". in J. H. Greenberg (ed). *Universals of Language*. 2d Edition. Cambridge. pp. 142-217.
- Yarmohammadi, L. & M. Khosravini (2001). "A method in discourse analysis and study of social and cultural viewpoints". *Journal of Social Sciences: (Name-yeh Farhang)*. No. 42. Pp. 181-188 [In Persian].
- Zakeri, T. (2006). *The Comparative Study of the Contemporary Iranian Authors Styles of Writing with the Emphasis on Gender*. M. A. Thesis. Department of linguistics. Payame Noor University. Iran. Tehran [In Persian].